

قدرت‌یابی ترکیه؛

پیامدهای ژئواکونومیک برای ایران

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۵۵۰

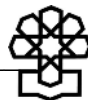
دفتر: مطالعات سیاسی

اسفندماه ۱۳۹۲

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۲	مدل توسعه ترکیه: ویژگی‌ها
۸	مدل توسعه ترکیه: نمادهای موفقیت در حوزه اقتصاد
۲۶	پیامدهای محتمل قدرت‌یابی ترکیه بر موقعیت ژئواکونومیک ایران
۳۳	جمع‌بندی
۳۷	منابع و مآخذ



## قدرت‌یابی ترکیه؛ پیامدهای ژئواکونومیک برای ایران

### چکیده

ترکیه یکی از پدیده‌های جذاب سیاست و اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر بوده است. برخی اقدامات این کشور در حوزه‌های اقتصاد و سیاست خارجی در یک دهه اخیر موجب شده تا بسیاری از آن به‌عنوان مدلی جدید در توسعه نام ببرند.

مهمترین دلایل توفیقات این مدل در حوزه اقتصاد به برقراری روابطی موفق و کارآمد میان دولت و نیروهای بازار مربوط می‌شود. متأثر از موفقیت این مدل، ترکیه در یک دهه اخیر دستاوردهای قابل توجهی در حوزه اقتصاد و تجارت کسب کرده است و تلاش می‌کند تا سال ۲۰۲۳ به یک قدرت جهانی با اقتصادی دو تریلیون دلاری تبدیل شود.

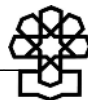
قدرت‌یابی ترکیه تأثیرات مهمی بر مناسبات آن با ایران، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و تجاری برجای گذاشته، به‌گونه‌ای که این کشور اکنون به مهم‌ترین همسایه اقتصادی ایران تبدیل شده است و در نتیجه روابط دو کشور از این پس به‌گونه‌ای فزاینده پیچیده خواهد شد. به همین دلیل برقراری توازن در نگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به پدیده ترکیه در حال ظهور و طراحی مکانیسم «گفتگوهای اقتصادی - استراتژیک» برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و مدیریت چالش‌های روابط گسترش‌یابنده با این کشور ضروری به‌نظر می‌رسد.

## مقدمه

ترکیه قدرتی درحال ظهور است که به یک الگوی جالب توجه توسعه در جهان کنونی تبدیل شده است. این گزاره‌ای است که بحث‌ها و دیدگاه‌های متعدد و متفاوتی در مورد آن ابراز شده است. گرچه در مورد چند و چون این مدل اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد، اما این مدل برای بسیاری از کشورها، به‌ویژه همسایگان آن از اهمیت استراتژیک برخوردار است. از همین رو گزارش حاضر معطوف به واکاوی تأثیرات محتمل روند توسعه ترکیه در آینده‌ای میان‌مدت بر محیط ژئواکونومیک ایران است. طبیعتاً این مدل از ویژگی‌های چندی برخوردار است که در گفتار نخست به‌طور مختصر آنها را بر خواهیم شمرد و موفقیت‌هایی که این مدل توسعه برای اقتصاد ترکیه به ارمغان آورده را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در گفتار دوم، آینده روند قدرت‌یابی ترکیه را بر مبنای اسنادی که چشم‌انداز مورد نظر نخبگان این کشور در یک دهه آینده را ترسیم می‌کند بررسی خواهیم کرد. گفتار سوم نیز معطوف به تبیین تأثیرات محتمل قدرت‌یابی ترکیه بر دیپلماسی اقتصادی ایران با این کشور خواهد بود.

## مدل توسعه ترکیه: ویژگی‌ها

تفکر توسعه در ترکیه از قدمت تاریخی طولانی برخوردار است. در دوران مدرن سابقه این تفکر را می‌توان از زمان روی کار آمدن آتاتورک دانست. در واقع با روی کار آمدن آتاتورک، ترکیه از نخستین کشورهای اسلامی بود که تلاش کرد تا الگوی

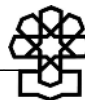


توسعه غربی را محقق سازد و به بیان معروف اروپایی شود. از آن هنگام تاکنون، مهمترین دغدغه ترک‌ها تبدیل شدن به بخشی از اروپا و درونی کردن استانداردهای اروپایی در زندگی مردم این کشور بوده است. در این مسیر ترک‌ها با برنامه‌ها و ابزارهای مختلفی تلاش کردند تا این کشور را به جامعه‌ای توسعه‌یافته مبدل سازند. طبیعتاً در بخش عمده‌ای از تاریخ توسعه در ترکیه، نظامیان نقش اصلی را در شکل‌دهی به مسیر توسعه این کشور برعهده داشته‌اند و تلاش کرده‌اند تا به دغدغه آتاتورک که همانا اروپایی شدن ترکیه بود جامه عمل بپوشانند و در این مسیر توفیقاتی نیز به‌دست آوردند، اما در نیل به هدف اصلی که همانا الحاق به اتحادیه اروپاست توفیق چندانی نیافتند. افزون‌بر این برخلاف لفاظی ژنرال‌ها که همواره ارتش را حافظ دموکراسی در ترکیه می‌دانستند، در این دوران هیچ‌گاه دموکراسی به معنای واقعی کلمه در این کشور شکل نگرفت و همواره سرکوب صدای مخالف بر دیگر ابزارها و روش‌های تعامل با جامعه مدنی برتری داشت البته در این دوران و به‌ویژه در دوران اوزال در دهه ۱۹۸۰، گام‌های مهمی در جهت ایجاد ثبات و خصوصی‌سازی بخش‌های مهم اقتصادی در این کشور برداشته شد، اما این اقدامات به‌دلیل تسلط نظامیان بر سپهر سیاسی و روابط آشفته آنان با جامعه مدنی چندان ثمربخش نبود. در این دوران ویژگی پایدار اقتصاد سیاسی ترکیه، روابط نامتوازن نظامیان - غیرنظامیان، تورم افسارگسیخته و رکود مداوم بود.

به بیان دیگر چگونگی پیشبرد توسعه همواره در کانون مناظرات و منازعات نیروهای سیاسی ترک در دهه‌های اخیر بوده است. گرچه این مناظرات در عمل تا

آغاز هزاره جدید دستاوردهای عملی چندانی نداشت اما در این مسیر با پایان جنگ سرد و گشایش فضای بین‌المللی، نیروهای جدیدی وارد فعالیت در فضای سیاسی ترکیه شدند که مهمترین آنها اسلامگرایان ترک و کردها هستند؛ نیروهایی که فضای سیاسی ترکیه را در دو دهه اخیر تغییر داده‌اند. اسلامگرایان ترک که با دشواری و به تدریج بر صحنه سیاسی ترکیه مسلط شدند، چهره این کشور را در طول یک دهه تغییر دادند و زمینه را برای تبدیل آن به مدلی جدید از توسعه به‌ویژه در دنیای اسلام فراهم آوردند.

به‌طور کلی حزب عدالت و توسعه با ترکیب قدرت دمکراسی با حمایت بورژوازی درحال ظهور اسلامگرا در ترکیه و بر مبنای سرمایه، رسانه و گفتمان اصلاح‌طلبی ملی‌گرایانه به قدرت رسید و برنامه‌های توسعه‌گرایانه خود را پیگیری کرد. از همان آغاز دوران به قدرت رسیدن این حزب، نسبت اسلام و مدل توسعه ترکیه نسبت بحث‌برانگیزی بوده و برداشت‌های مختلفی از آن صورت گرفته است اما ورای بحث‌ها و تفسیرهای مختلفی که در این‌باره صورت گرفته، مهمترین اقدام عملی حزب عدالت و توسعه ترکیه که در نهایت به سود گسترش نمادهای اسلامی در جامعه ترکیه تمام شد، بسط آزادی‌های اجتماعی در این کشور بوده است. به بیان دیگر بسط این آزادی‌ها باعث شد تا جامعه عمدتاً مسلمان در پیگیری سنت‌های خود با مانعی مواجه نشود و همین امر چهره جامعه این کشور را تغییر داد. افزون‌بر این در سطوح ملی و بین‌المللی حزب عدالت و توسعه تلاش کرده تا از میراث تاریخی ترکیه در راستای اهداف خود بهره‌گیرد و همین امر زمینه را برای بحث‌هایی همچون



«نوع‌ثمانی‌گرایی» فراهم آورده است.

به‌طور خلاصه مهمترین عواملی که به تبدیل شدن ترکیه به مدلی جدید از توسعه به‌ویژه در جهان اسلام کمک کرده‌اند عبارتند از:

۱. ثبات نسبی سیاسی که بر مبنای فرآیند واقعی دموکراسی در این کشور شکل گرفته است: این ثبات در وهله اول مرهون متعادل شدن نسبی روابط نظامیان - غیرنظامیان در درون این کشور است. در گذشته‌ای نه چندان دور، نظامیان بر سپهر سیاسی و اقتصادی ترکیه تسلط داشتند و همین امر یکی از موانع مهم پیش روی پیشرفت این کشور محسوب می‌شد، اما از یک دهه پیش، نظامیان به تدریج در حال بازگشت به پادگان‌ها هستند همین امر زمینه را برای شکل‌گیری فرآیند واقعی دموکراتیک شدن فراهم آورده است (Jung, 2012). البته تردیدی نیست که این روند کماکان با چالش‌ها و موانعی روبرو است.

۲. رشد اقتصادی بر مبنای سازوکارهای اقتصاد بازار و گسترش شبکه‌ای شرکای اقتصادی این کشور: این ویژگی از آن‌رو مهم است که نشان می‌دهد برخلاف گذشته، در یک دهه اخیر نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی در ترکیه به‌گونه‌ای روزافزون کاهش یافته و نهاد دولت نه به‌عنوان رقیب بخش خصوصی بلکه به‌عنوان زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده فعالیت‌های این بخش عمل می‌کند.

۳. سیاست درهای باز و گشایش به روی جهان خارج.

۴. روابط مثبت و سازنده با تمام همسایگان و نیز با قدرتهای جهانی بر مبنای سیاست حل تمام مسائل با همسایگان و پیگیری سیاست چندوجهی در

قبال سایر کشورها. این سیاست برمبنای استراتژی «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» دنبال شد. با این حال کارشناسان معتقدند که نوع جهت‌گیری آنکارا در قبال تحولات سوریه کاملاً در تعارض با این استراتژی تنظیم شده و به همین دلیل موجد مشکلات عدیده‌ای در روابط ترکیه با برخی از همسایگانش بوده است.

۵. تقویت روند تعامل این کشور با اروپا و سازمان‌های غربی برمبنای هویت

اروپایی این کشور.

۶. حضور فزاینده و نقش‌آفرینی در جهان اسلام برمبنای هویت اسلامی این

کشور (Kaddorah, 2010).

در قالب این مدل، سیاست خارجی ترکیه برمبنای دکترین داوود اوغلو (وزیر خارجه این کشور) به نوعی به‌سوی ایجاد توازن در روابط با شرق و غرب حرکت کرد. از منظر وی ترکیه به‌دلیل سابقه فرهنگی و موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی چندگانه دارد و باید از این ژئوپلیتیک در جهت بسط نفوذ در مناطق مختلف جهان و تبدیل شدن به یک قدرت جهانی بهره‌گیرد. برای توفیق در این مسیر از منظر وی دو دسته شرایط زمینه‌ای باید فراهم می‌شد:

۱. در حوزه سیاست داخلی ترکیه باید مسئله کردها را حل و فصل کند و شکاف

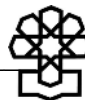
فزاینده میان سکولارها و اسلامگرایان در درون جامعه ترکیه را از بین ببرد.

۲. در حوزه بین‌المللی ترکیه باید تمام معضلات خود با همسایگان را که موجبات

آسیب به روابط این کشور با آنان را فراهم می‌آورد، حل و فصل کند.

به بیان دیگر این دکترین بر پنج پایه قرار دارد:





۱. توازن میان امنیت و دمکراسی: از منظر وی کشورهای درحال توسعه همواره به بها و بهانه امنیت، دمکراسی و حقوق مردم خود را نادیده گرفته‌اند و توسعه را به تأخیر انداخته‌اند. از همین رو او تأکید دارد که در استراتژی کلان سیاست خارجی ترکیه همواره باید میان این دو اولویت توازن برقرار باشد. افزون بر این ترکیه در قبال تحولات منطقه نیز بر همین اساس موضع‌گیری می‌کند.

۲. سیاست حل تمام مسائل با همسایگان.<sup>۱</sup>

۳. توسعه توأمان روابط با محیط همسایگی و مناطق دوردست.

۴. پیگیری سیاست خارجی چندبعدی.

۵. دیپلماسی ریتمیک بدان معنا که افراد، شرکت‌ها و سازمان‌های مدنی غیردولتی به موازات دولت در پیشبرد دیپلماسی ترکیه به ایفای نقش پردازند (Murinson, 2007).

این اولویت‌ها و اهداف در قالب «پروژه تغییر»<sup>۲</sup> حزب عدالت و توسعه پیگیری شد و نتایج قابل ملاحظه‌ای برای این کشور به همراه آورد. در ادامه این دستاوردها را با تأکید بر حوزه اقتصاد سیاسی مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد، زیرا در قالب این مدل، توسعه اقتصادی از اهمیتی استراتژیک برای ارتقای جایگاه ترکیه در صحنه بین‌المللی برخوردار است.

---

1. Zero-problem policy

2. Project for change

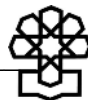
### مدل توسعه ترکیه: نمادهای موفقیت در حوزه اقتصاد

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ ترکیه وارد دوران نوینی در روند توسعه خود شد؛ به‌گونه‌ای که با بازتعریف استراتژی کلان این کشور و رویکرد تجاری آن، زمینه برای ظهور آن به‌عنوان یک قدرت جدید در اقتصاد و سیاست بین‌الملل فراهم آمد.

همان‌گونه که اشاره شد با به قدرت رسیدن حزب توسعه و عدالت، مبانی نظری تبیین‌کننده جایگاه این کشور در صحنه بین‌المللی بازتعریف شد؛ به‌گونه‌ای که این کشور دیگر نقش خود را نه به‌عنوان بازیگری حاشیه‌ای که برای پیوستن به اتحادیه تلاش می‌کند، بلکه به‌عنوان پل شرق و غرب و مهمترین نقطه اتصال اروپا به خاورمیانه، بازتعریف کرد. عملکرد این حزب در اقتصاد نیز موفقیت‌های مهمی در برداشت که در ادامه مهمترین نمادهای آن را مورد بحث قرار خواهیم داد:

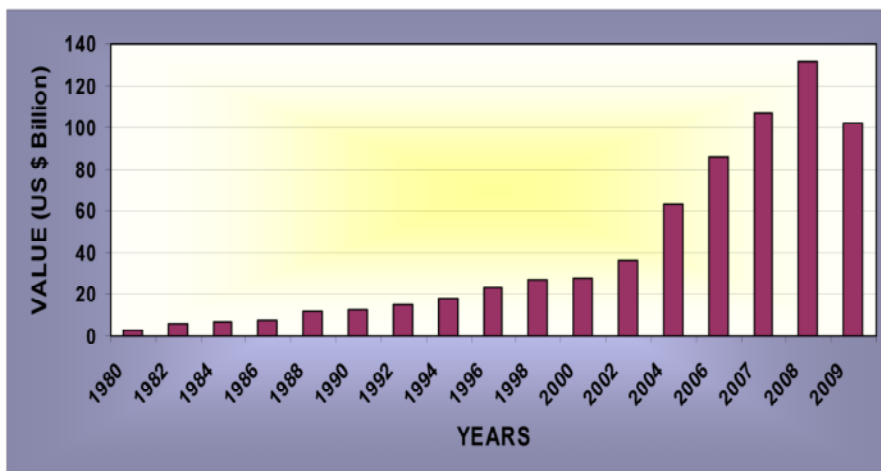
#### صادرات، جذب سرمایه و تجارت نهادمند

رونق صادرات را می‌توان اولین نماد موفقیت یک کشور در مسیر رشد و توسعه دانست. این قاعده در مورد ترکیه نیز مصداق دارد، زیرا صادرات ترکیه از ۳۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ (آغاز دهه طلایی توسعه) به ۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. در واقع در این دوران صادرات ترکیه بیش از میزانی که دولت این کشور در برنامه‌های استراتژیک خود در نظر گرفته بود رشد کرد. در چارچوب برنامه‌های دولت، صادرات این کشور باید به ۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ می‌رسید در حالی که در این سال به ۸۵



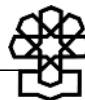
میلیارد دلار بالغ شد. این رشد سریع باعث شد تا ترکیه از رده بیست و پنجمین صادرکننده جهان در سال ۲۰۰۲ به رده بیست و دومین صادرکننده در سال ۲۰۰۶ ارتقا یابد. رشد صادرات ترکیه در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ با سرعت بیشتری ادامه یافت. به گونه‌ای که به ترتیب با ۲۵ و ۲۳ درصد به ۱۰۷ و ۱۳۲ میلیارد دلار افزایش یافت. البته با وقوع بحران مالی در اتحادیه اروپا به عنوان مهمترین بازار صادراتی ترکیه، صادرات این کشور در سال ۲۰۰۹ با افت قابل توجهی به ۱۰۲ میلیارد دلار کاهش یافت. این افت ناشی از سهم ۶۴ درصدی اتحادیه اروپا در صادرات ترکیه بود. البته در سال‌های بعد این افت تداوم نیافت زیرا بر مبنای آمارهای موجود، صادرات این کشور در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۱۵۲ میلیارد دلار بوده است (Invest in turkey, 2013). نمودار ۱ به گونه‌ای بهتر روند رشد صادرات ترکیه در سه دهه اخیر را نشان می‌دهد:

نمودار ۱. روند افزایش صادرات ترکیه ۱۹۸۰-۲۰۰۹ (میلیارد دلار)



همان‌گونه که جدول فوق به روشنی نشان می‌دهد، صادرات ترکیه به‌عنوان مهمترین شاخص رشد و پویایی اقتصاد این کشور، از ابتدای هزاره جدید و مقارن با روی کار آمدن اسلامگرایان، به‌طور جهشی رشد کرده است. تبیین رشد سریع ترکیه در یک دهه اخیر از زوایای مختلفی صورت گرفته است اما در اغلب این تحلیل‌ها یک نکته مشترک است و آن اینکه پیگیری سیاست‌های اقتصادی بازارمحور در ترکیب با اصلاحات دمکراتیک، مهمترین نقش را در ارتقای موقعیت ترکیه در اقتصاد جهانی ایفا کرده است. افزون‌بر این، سیاست خارجی ترکیه نقش اساسی در این موفقیت‌ها داشته است، زیرا زمینه را برای تعامل سازنده و هدفمند این کشور با اقتصاد جهانی فراهم آورده است. در پیامد همین زمینه‌سازی است که ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ توانست ۸۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب کند. تغییر در سیاست خارجی ترکیه باعث شد تا این کشور با مطرح کردن خود به‌عنوان پل شرق و غرب ضمن اینکه مناسبات تجاری، اقتصادی و استراتژیک خود را با غرب تداوم می‌دهد، بتواند در خاورمیانه و آسیای مرکزی نیز نفوذ کند و بازارهای جدید و وسیعی را تحت نفوذ دیپلماسی تجاری خود قرار دهد (Turan, 2011).

جنبه دیگری از سیاست خارجی و به‌ویژه دیپلماسی تجاری ترکیه که در روند افزایش تعاملات تجاری این کشور به‌ویژه در ورای مرزها نقش مهمی ایفا کرده است، نقش روزافزون این کشور در نهادهای بین‌المللی از شورای امنیت تا سازمان کنفرانس اسلامی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. یکی از جلوه‌های مهم این حوزه از دیپلماسی ترکیه به حضور این کشور در گروه



۲۰ معطوف است. در این گروه ۲۰ کشور که ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می‌کنند حضور دارند و ترکیه در کنار عربستان به نوعی به‌عنوان بازیگران برتر در ژئواکونومی خاورمیانه در این گروه عضویت دارند (Sachs, 2010).

افزون‌بر این، ترکیه در راستای ارتقای قدرت این کشور با بهره‌گیری از ابزارهای سیاست خارجی و دیپلماسی تجاری تلاش کرده تا مناسبات با کشورها و مناطق مختلف با اولویت جهان در حال توسعه را نهادینه کند. در این راستا از یک‌سو تلاش کرده تا موافقتنامه‌های تجارت آزاد ترکیه در چارچوب‌های دوجانبه و چندجانبه گسترش یابد. در این راستا این کشور روابط خود با مجموعه‌های منطقه‌ای همچون مرکوسور، اتحادیه آفریقا (ترکیه در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر اتحادیه آفریقا درآمد) و شورای همکاری خلیج فارس را نهادینه کرده است. در همین چارچوب به‌ویژه در حوزه دیپلماسی تجاری گروه‌های مختلفی از صادرکنندگان و بازرگانان شکل گرفته‌اند و در راستای دیپلماسی تجاری ترکیه در مناطق مختلف به رایزنی می‌پردازند. از این میان گروه موسوم به توسکون<sup>۱</sup> در راستای گسترش حضور و نفوذ ترکیه در بازارهای آسیای شرقی و آفریقا فعالیت می‌کند، گروه موسیاد<sup>۲</sup> در راستای گسترش منافع تجاری این کشور در منطقه خلیج فارس فعال است و گروه توسیاد<sup>۳</sup> به‌عنوان قدیمی‌ترین گروه لابی‌گری در اروپا برای حضور در بازارها و مهمتر از آن به نتیجه رساندن روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا را برعهده دارد (Grigoriadis, 2010).

---

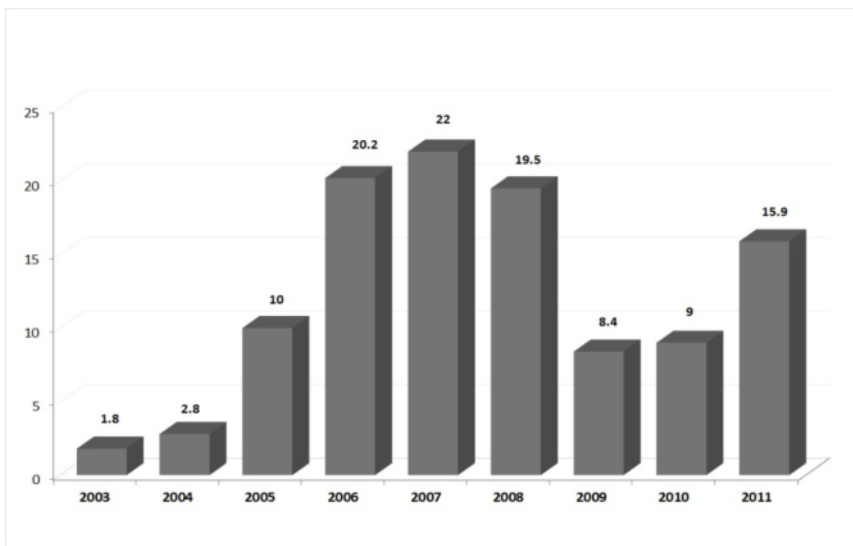
1. Tuskon

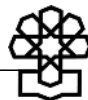
2. Musiad

3. Tusiad

از دیگر سو این کشور با شکل‌دهی به مکانیسم‌های جدید همچون مجمع ترکیه - اعراب تلاش دارد تا بسط نفوذ تجاری خود در مناطق مختلف را قاعده‌مند کند. ابتکار دیگری که در سیاست خارجی ترکیه به‌کار گرفته شده و تأثیرات مهمی بر ظرفیت‌سازی تجاری در این کشور داشته، تلاش برای شکل‌دهی به مناسبات آنکارا با سایرین در قالب فرمول «برد - برد» است. طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۰۳ بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی به ترکیه وارد شده که از این میان ۱۰۹ میلیارد دلار به‌صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است. نمودار ذیل این روند را نشان می‌دهد.

نمودار ۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه ۲۰۱۱-۲۰۰۳





درواقع در این دوران ترکیه شاهد سرمایه‌گذاری روزافزون خارجی در بخش‌های مختلف اقتصاد این کشور از بخش کشاورزی تا سیستم بانکی بوده است؛ به‌گونه‌ای که ۴۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت این کشور در مقطع مورد بحث منشأ خارجی داشته است که از این میان سهم بانک‌های عربی بین ۵ تا ۶ درصد برآورد شده است.

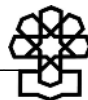
یکی دیگر از اقدامات ترکیه در زمینه ظرفیت‌سازی تجاری به موافقتنامه‌های این کشور با سایرین به‌صورت دوجانبه و چندجانبه در حوزه تجارت آزاد و تجارت ترجیحی بازمی‌گردد. ترکیه با بخش اعظم محیط همسایگی خود موافقتنامه تجارت آزاد منعقد کرده و یا مذاکرات در این حوزه را تا مراحل نهایی پیش برده است. افزون‌بر این با کشورهای منطقه آمریکای جنوبی نیز مشغول مذاکرات تجارت آزاد است و یا پروتکل تجاری امضا کرده است.

تنوع این موافقتنامه‌ها با کشورهای مناطق مختلف از محیط همسایگی تا دوردست حاکی از این امر است که ترکیه سیاست تجاری خود را در راستای متنوع‌سازی بازارها طراحی کرده است. از بعد دیگر، ترکیه مذاکرات موافقتنامه تجارت آزاد را با لبنان، شورای همکاری خلیج فارس، اوکراین، کشورهای مرکوسور، لیبی، موریتانی و جزایر فارو آغاز کرده و گفتگوها با مکزیک، الجزایر، اتحادیه گمرکی آفریقای جنوبی، آسه آن، آفریقای جنوبی، هند و ۳۶ کشور عضو گروه کشورهای آفریقایی، کارائیب و پاسفیک درحال انجام است. جدول ذیل موافقتنامه‌های تجارت آزاد منعقد شده میان ترکیه و سایر کشورها را نشان می‌دهد (Ministry of Economy, 2012).

جدول موافقتنامه‌های تجاری منعقد شده میان ترکیه  
و سایر کشورها تا سال ۲۰۱۲

موافقتنامه‌های تجاری منعقد شده میان ترکیه	
۲۰۰۸	آلبانی
۲۰۰۳	بوسنی
۲۰۱۱	شیلی
۲۰۰۳	کروواسی
۱۹۹۲	اتحادیه تجارت آزاد اروپا
۲۰۰۷	مصر
۲۰۰۸	گرجستان
۱۹۹۷	اسرائیل
۲۰۱۱	اردن
۲۰۰۶	مراکش
۲۰۰۵	تونس
۲۰۰۷	سوریه
۲۰۱۰	صربستان
۲۰۱۲	کره جنوبی
۲۰۰۵	فلسطین
۲۰۱۰	مونتنگرو
۲۰۱۱	موریس
۲۰۰۰	مقدونیه
۲۰۰۰	لبنان





## صنعت توریسم

صنعت توریسم را می‌توان مهمترین نماد موفقیت اقتصادی ترکیه در یک دهه اخیر دانست. علیرغم اینکه این کشور از جاذبه‌های توریستی چندانی برخوردار نیست، اما در سال‌های اخیر توانسته بخش گردشگری را به‌عنوان یکی از بخش‌های پویای اقتصاد خود مطرح سازد. بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ تعداد گردشگرانی که از این کشور دیدار کرده‌اند، بیش از دو برابر شده و درآمد این کشور نیز از این ناحیه دو برابر شده است.

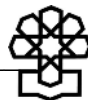
در وضعیت کنونی ترکیه یکی از مقاصد مهم توریست‌ها در جهان است و با پذیرش ۲۹/۳ میلیون نفر مقام ششم را در پذیرش توریست در جهان داراست. در حوزه کسب درآمد از صنعت توریسم با ۲۱ میلیارد دلار در رتبه دهم جهان قرار گرفته است. مهمتر آنکه این کشور هدفگذاری جاه‌طلبانه‌ای در این حوزه تدوین کرده است؛ به‌گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۳، بتواند ۶۰ میلیون توریست را جذب کند و از طریق آن، سالیانه ۶۰ میلیارد دلار درآمد کسب کند. در همین راستا، استانبول افزون‌بر تبدیل شدن به یک کانون<sup>۱</sup> تجاری و مالی، به کانون توریسم ترکیه نیز تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۱۱ حدود ۸ میلیون توریست از این شهر دیدار کرده‌اند. یکی از مهمترین اقدامات ترکیه در این حوزه، تسهیل شرایط صدور ویزاست. درحال حاضر شهروندان ترکیه بدون ویزا به ۵۸ کشور می‌توانند سفر کنند (Ulusoy, 2011).

## صنعت خودرو

یکی دیگر از حوزه‌های توفیق ترکیه در سال‌های اخیر، صنعت خودروسازی بوده است. ظرفیت سالیانه تولید صنعت خودروسازی این کشور در حوزه خودروهای تجاری به ۵۰۰ هزار دستگاه در سال و در حوزه خودروهای سواری، به ۸۰۰ هزار دستگاه در سال رسیده است. صادرات صنایع خودروسازی و قطعه‌سازی ترکیه در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۱۹ میلیارد دلار بوده است. نکته مهمتر آنکه حدود ۷۳ درصد از این صادرات به اتحادیه اروپا به ویژه فرانسه، آلمان، ایتالیا و بریتانیا بوده است. هدفگذاری آینده صنعت خودروسازی در ترکیه، رسیدن به ظرفیت تولید دو میلیون دستگاه در کوتاه‌مدت و به چهار میلیون دستگاه در سال ۲۰۲۳ است. البته در عین حال ترکیه از واردکنندگان مهم خودرو نیز محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ۶۰ درصد خودروهای فروخته شده در این کشور در سال ۲۰۱۰، وارداتی بوده‌اند که این رقم در بخش خودروهای سواری به ۷۰ درصد رسیده است. صنعت خودرو ترکیه به دلایلی چون نیروی کار ارزان، دسترسی به بازارهای اتحادیه اروپا و کیفیت بالای قطعات تولیدی این کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب بوده است (Reuters, 2013).

## آهن و فولاد

یکی دیگر از حوزه‌های موفقیت ترکیه در یک دهه اخیر، صنعت فولاد بوده است. صنعت آهن و فولاد، بنیان صنعتی ترکیه را از سال ۱۹۴۰ شکل داده است. در وضعیت کنونی این صنعت کاملاً خصوصی‌سازی شده و ۲۰۰ هزار نفر در آن



مشغول به کار هستند. این کشور با تولید ۲ درصد فولاد خام جهان، دهمین تولیدکننده بزرگ در این حوزه محسوب می‌شود. ظرفیت تولید فولاد در این کشور از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰، حدود دو برابر شده و از ۱۶/۵ میلیون تن به ۲۹/۱ میلیون تن رسیده و تا پایان سال ۲۰۱۲ به ۴۲ میلیون تن افزایش یافته است. صادرات آهن و فولاد ترکیه در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۱۳ میلیارد دلار بوده است. مهمترین بازارهای صادراتی آهن و فولاد ترکیه، اتحادیه اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. افزون بر این و مهمتر آنکه ترکیه در سال‌های اخیر به صادرکننده فناوری صنعت فولاد نیز تبدیل شده است.

### پوشاک و نساجی

با وجود اینکه بخش پوشاک به‌طور سنتی مهمترین بخش صنعتی ترکیه بوده، اما در سال‌های اخیر، حضور رقبای آسیایی در بازار داخلی و نیز بین‌المللی این کشور، بازار نساجی آن را با چالش‌های گسترده‌ای مواجه کرده است. این کشورها از یک سو در بازار داخل این کشور نفوذ رشدیابنده‌ای دارند و از دیگر سو، بازارهای بین‌المللی سنتی این کشور یعنی اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه را از آن خود کرده‌اند. ترکیه در پاسخ به چالش‌های رقبا در حوزه پوشاک تلاش کرده تا با تولید محصولات دارای ارزش‌افزوده بالا ایجاد برندهای ترک در این حوزه و نیز استفاده از مزیت قرابت جغرافیایی و معافیت از پرداخت عوارض گمرکی در بازار اتحادیه اروپا به مقابله با رقبا بپردازد.

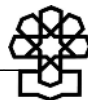
صنعت پوشاک در وضعیت کنونی ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی ترکیه را تشکیل می‌دهد و ۱۱ درصد نیروی کار این کشور در آن مشغول فعالیت هستند.

بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۰، ترکیه پنجمین صادرکننده بزرگ جهان در حوزه پوشاک و هشتمین صادرکننده در حوزه نساجی است. این کشور دومین صادرکننده پوشاک و نساجی به اتحادیه اروپاست؛ به گونه‌ای که ۸۰ درصد مجموع صادرات آن به این منطقه است.

### بخش بانکی

نقش سیستم بانکی در اقتصاد ترکیه در سال‌های اخیر به سرعت رو به گسترش بوده است. پس از بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۰۰ - ۲۰۰۱، دولت دست به اصلاحات وسیع در سیستم بانکی زد و حدود ۵۳ میلیارد دلار برای اصلاح ساختار بانک‌های دولتی هزینه کرد (World Trade Organization, 2012, p54).

اما مهمترین برنامه‌ای که ترکیه از منظر بحث حاضر دنبال می‌کند، تبدیل کردن استانبول به یک مرکز منطقه‌ای و جهانی تبادلات مالی است. این پروژه از سال ۲۰۰۹ آغاز شده است. این مرکز با نظام مالیاتی و قانونی ترکیه هماهنگ خواهد بود. در این راستا، قرار است سیستم قانونی ترکیه به روز شود، تولیدات و خدمات مالی متنوع‌سازی و یک نظام مالیاتی ساده و مؤثرتر تدوین شود، نظام نظارتی بهبود یابد و زیرساخت‌های فیزیکی و تکنولوژیک قدرتمندتری شکل گیرند. در وضعیت فعلی، ۹ گروه کاری برای اجرای این استراتژی مشغول فعالیت هستند. در مقدمه سند مربوط به این استراتژی نیز آمده است: ترکیه با برخورداری از یک جمعیت جوان و پویا، نیروی کار کیفی، مزیت‌های ژئوپلیتیک، اقتصاد به سرعت رو به توسعه و رشد، میراث فرهنگی



و تاریخی، بازارهای توسعه‌یافته، تولیدات متنوع، خدمات و فعالیت‌های مالی متنوع و چارچوب حقوقی مستحکم در حوزه مالی، در آینده به یکی از مراکز پراهمیت تبادلات مالی تبدیل خواهد شد. تبدیل شدن استانبول به یک مرکز تبادلات مالی منطقه‌ای و جهانی، کمک قابل توجهی به افزایش اشتغال و تسهیل جریان سرمایه بین‌المللی به ترکیه و نهایتاً رشد اقتصادی این کشور خواهد کرد (Turkey Ministry of Development, 2009).

### بخش ساخت‌وساز

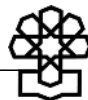
یکی دیگر از حوزه‌هایی که در سال‌های اخیر در ترکیه از رشد بالایی برخوردار بوده، بخش ساخت‌وساز است. این بخش در یک دهه اخیر به سرعت بین‌المللی شده و بخش مهمی از نیروی کار این کشور (۱/۵ میلیون نفر) را در استخدام خود دارد. در وضعیت فعلی، ترکیه دارای ۱۵۰ شرکت پیمانکاری بین‌المللی است که پروژه‌های کلانی را در کشورهای مختلف در دست اجرا دارند. این شرکت‌ها به‌طور مستقیم حدود ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکیه را تشکیل می‌دهند، اما نقش غیرمستقیم آنها در اقتصاد این کشور گسترده‌تر است. ترکیه در وضعیت فعلی دوازدهمین تولیدکننده مصالح ساختمانی همچون سیمان و شیشه در جهان است.

در عرصه بین‌المللی، شرکت‌های ساخت‌وساز ترکیه در چهار دهه گذشته ۶۵۰۰ پروژه به ارزش ۲۰۵ میلیارد دلار را در کشورهای مختلف اجرا کرده‌اند. میزان ارزش سالیانه پروژه‌هایی که این شرکت‌ها در یک دهه اخیر اجرا کرده‌اند از ۲/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. در یک دهه اخیر،

صنعت ساخت‌وساز این کشور هم به‌لحاظ تولید و هم از لحاظ بازارها به‌شدت متنوع شده است. بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۰، پیمانکاران ترک، ۵۷۷ پروژه را در ۵۰ کشور جهان در دست اجرا داشته‌اند که طیف وسیعی از پروژه‌ها را از پروژه‌های زیرساختی (جاده، ریل و تونل) تا مسکن، تأسیسات ورزشی، پروژه‌های انرژی و ایجاد امکانات توریستی دربر می‌گیرد. به لحاظ جغرافیایی، روسیه، لیبی، ترکمنستان، قزاقستان و عراق از بازارهای اصلی صنعت ساخت‌وساز ترکیه به شمار می‌آیند؛ به‌گونه‌ای که ۵۰ درصد از کل پروژه‌های انجام شده در این سال‌ها در این کشورها بوده‌اند. یکی دیگر از تحولاتی که در طی این سال‌ها در بخش پیمانکاری ترکیه رخ داده، تخصصی شدن روزافزون این بخش است. به‌گونه‌ای که برخی از این شرکت‌ها در رده شرکت‌های مهم بین‌المللی در ساخت فرودگاه‌ها، راه آهن و سیستم‌های حمل‌ونقل شهری قرار گرفته‌اند (World Trade organization, 2012).

### حمل‌ونقل هوایی

به موازات ایجاد زیرساخت‌های سخت در جهت افزایش توان تجاری ترکیه در مناطق مختلف، این کشور در فراهم آوردن زیرساخت‌های نرم نیز توفیقات مهمی کسب کرده است. به‌عنوان یک نمونه می‌توان به افزایش خطوط پروازی «ترکیش ایرلاین» در سال‌های اخیر اشاره کرد. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ در مجموع این شرکت ۵۸ خط پروازی جدید را ایجاد کرده است. از این میان ۱۴ خط به اروپا، ۱۸ مسیر در آسیا، ۱۴ مسیر برای خاورمیانه و شمال آفریقا و ۸ مسیر برای قاره آفریقا تأسیس شده و مشغول فعالیت هستند. ۴ مسیر نیز در سایر مناطق تأسیس شده‌اند. طبیعی است که



برقراری پروازهای مستقیم میان ترکیه و سایر مناطق فوق‌الذکر روابط تجاری را تسهیل می‌کند. در همین مدت مسیرهای خطوط پروازی بین‌المللی این کشور نیز از ۷۰ به ۱۳۰ شهر افزایش یافته است (Bown, 2012). نتیجه آنکه تعداد مسافر جابجا شده توسط این شرکت در سال‌های اخیر و درآمد حاصل از آن به شدت رشد کرده است. تعداد مسافر جابجا شده توسط این شرکت از ۱۷ میلیون در سال ۲۰۰۶ به ۳۹ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است و در همین مدت درآمد این شرکت از ۲/۲ میلیارد دلار به ۹ میلیارد دلار افزایش یافته که روند رشد بسیار سریعی را نشان می‌دهد (Wikipedia, 2012).

درواقع تحولات بخش حمل‌ونقل و ارتباطات شاخص بسیار مهمی در توانمندی ترکیه در حوزه زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی است. «ترک تلکام»، شرکت ملی ارتباطات ترکیه در سال ۲۰۰۵ دقیقاً ۵۵ درصد از سهام خود را به بخش خصوصی به ارزش ۶/۵ میلیارد دلار واگذار کرد. جالب آنکه برنده این مزایده شرکتی عربستانی بود. افزون‌بر این شرکت‌های ارتباطاتی بزرگ جهانی همچون «ودافون» نیز با خرید شرکت «تله سیم» ترکیه به ارزش ۴/۵ میلیارد دلار، فعالانه وارد بازار این کشور شده‌اند. طبیعتاً حضور این شرکت‌ها در بخش ارتباطات ترکیه نشان از توفیق این کشور در فراهم آوردن محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار دارد.

## انرژی

یکی دیگر از حوزه‌هایی که ترکیه تلاش کرده تا با ایجاد زیرساخت‌ها در آن موقعیت تجاری

خود را ارتقا دهد، حوزه انرژی است. آنکارا در این حوزه از یکسو با بسط مناسبات با کشورهای دارنده انرژی به‌ویژه ایران و روسیه تلاش کرده تا استراتژی متنوع‌سازی منابع انرژی را محقق سازد و از دیگرسو علی‌رغم اینکه از منابع انرژی برخوردار نیست، تلاش دارد تا با ایفای نقش مؤثر در طرح‌هایی همچون باکو - جیهان و نوبوکو، خود را به‌عنوان کانون انرژی در منطقه و مهمترین مسیر انتقال انرژی به اروپا مطرح سازد. همچنین این کشور تلاش دارد تا به پروژه‌های «بلواستریم» و «سوئ استریم» که منابع انرژی روسیه را به اروپا انتقال می‌دهند مشارکت کند. افزون‌بر این ترکیه برنامه‌های بلندپروازانه‌ای در حوزه انرژی دارد؛ به‌گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰ برای سرمایه‌گذاری ۱۳۰ میلیارد دلاری در این بخش طراحی‌هایی صورت داده است.

### ترکیه در چشم‌انداز ۲۰۲۳

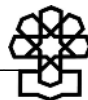
با عنایت به مباحث فوق‌الذکر می‌توان مدعی شد که حزب عدالت و توسعه در یک دهه اخیر انقلابی در توسعه اقتصادی ترکیه ایجاد کرد و مسیر تاریخی این کشور را تغییر داده است، اما موضوع مهمتر از منظر بحث حاضر، اهداف استراتژیک ترکیه در آینده است. بر مبنای اسنادی که در دولت ترکیه تدوین شده است، هدف اصلی استراتژی توسعه‌ای این کشور، تبدیل شدن به کانون اصلی<sup>۱</sup> در تولیدات صنعتی تک و تولیدات با فناوری متوسط<sup>۲</sup> در منطقه اوراسیاست. بر مبنای سندی که ترک‌ها منتشر کرده‌اند، افزایش رقابت‌پذیری و بهره‌وری بخش صنعتی ترکیه و شکل‌دهی

---

1. Hub

2. Medium Tech





به‌گونه‌ای از ساختار صنعتی که سهم بیشتری از صادرات جهانی داشته باشد و دغدغه اصلی آن، تولید کالاهای تک با ارزش‌افزوده بالا باشد، نیازمند نیروی کار کیفی و در نظر گرفتن حساسیت‌ها و الزامات محیط زیستی و اجتماعی است.

برای تبیین این سند، ترک‌ها به تجربه کشورهای چوون ژاپن، کره جنوبی، تایلند و اندونزی توجه کرده و نتیجه گرفته‌اند که موقعیت اقتصادی یک کشور وابسته به فرآیندهای صحیح صنعتی است. درواقع ترکیه رویکرد صنعتی خود را اساساً بر محور سیاست‌های صنعتی اتحادیه اروپا پی‌ریزی کرده و براساس این سیاست صنعتی، برنامه حضور در بازارهای منطقه را طراحی کرده است.

مهمترین هدف این استراتژی، تداوم بخشیدن به رشد اقتصادی ترکیه است که این امر بر مبنای سند، مستلزم افزایش رقابت‌پذیری بخش خصوصی این کشور است. برای برآورد کردن این هدف، وزارت صنعت و تجارت ترکیه، کنفرانسی را با حضور همه طرف‌های ذینفع در سال ۲۰۱۰ برگزار کرد که ماحصل این کنفرانس به صورت چشم‌انداز اقتصادی ترکیه منتشر شد. در این سند، هدف کانونی ترکیه در حوزه صنعت، تبدیل شدن به «هاب» (مرکز) منطقه اوراسیا در تولیدهای تک با فناوری متوسط تعریف شده است.

بر مبنای این هدف کانونی، اهداف سیاست صنعتی ترکیه در سال‌های

۲۰۱۱-۲۰۱۴ عبارتند از:

۱. افزایش حجم بخش‌های تک و فناوری متوسط در تولیدات و صادرات این کشور،
۲. تغییر بخش‌های دارای تکنولوژی پایین به بخش‌های تولیدکننده محصولات با

ارزش افزوده بالا،

۳. افزایش تعداد شرکت‌هایی که به‌طور مداوم مهارت‌های خود را افزایش می‌دهند.

افزون‌بر این ترک‌ها سند چشم‌اندازی برای این کشور تا سال ۲۰۲۳ نیز ترسیم کرده‌اند، سالی که مقارن با صدمین سال شکل‌گیری جمهوری در این کشور است. در این سند اهداف ذیل برای حوزه‌های مختلف در نظر گرفته شده است:

## ۱. اقتصاد

۱-۱. قرار گرفتن در میان ۱۰ اقتصاد برتر جهان،

۱-۲. افزایش تولید ناخالص داخلی به یک تریلیون دلار تا سال ۲۰۱۴،

۱-۳. افزایش تولید ناخالص داخلی به دو تریلیون دلار تا سال ۲۰۲۳،

۱-۴. افزایش صادرات ترکیه به ۵۰۰ میلیارد دلار،

۱-۵. افزایش درآمد سرانه به ۲۵ هزار دلار،

۱-۶. افزایش حجم تجارت خارجی به یک تریلیون دلار،

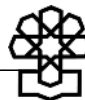
۱-۷. کاهش نرخ بیکاری به ۵ درصد.

## ۲. انرژی

۲-۱. ایجاد ظرفیت تولید ۲۰ هزار مگاوات انرژی بادی و ۶۰۰ مگاوات انرژی زمین گرمایی،

۲-۲. افزایش ۲۰ درصدی بهره‌وری انرژی،

۲-۳. ایجاد حداقل سه نیروگاه هسته‌ای.



### ۳. بهداشت

۳-۱. فراگیر کردن نظام بیمه درمانی به گونه‌ای که هیچ شهروندی فاقد پوشش بیمه‌ای نباشد،

۳-۲. ۲۱۰ پزشک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر.

### ۴. حمل و نقل

۴-۱. ایجاد ۱۱ هزار کیلومتر خطوط راه آهن جدید،

۴-۲. ایجاد ۱۵ هزار کیلومتر جاده،

۴-۳. قرار دادن یکی از بنادر ترکیه در میان ۱۰ بندر برتر جهان،

۴-۴. تولید هواپیما، پرنده‌های بدون سرنشین و ماهواره توسط مهندسين ترک.

### ۵. توریسم

۵-۱. تبدیل کردن ترکیه به پنجمین مقصد گردشگری،

۵-۲. میزبانی از ۵۰ میلیون گردشگر در ترکیه در سال ۲۰۲۳،

۵-۳. افزایش درآمد ناشی از توریسم به ۵۰ میلیارد دلار (Business Turkey Today, 2012).

### ۶. سیاست خارجی

۶-۱. همگرایی با همسایگان،

۶-۲. ایجاد کمر بند ثبات، امنیت و رفاه در مناطق پیرامونی ترکیه (بالکان، خاورمیانه،

آسیای مرکزی و قفقاز)،

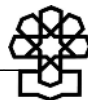
۳-۶. تبدیل ترکیه به قدرتی جهانی.

داوود اوغلو در کنفرانسی که در سال ۲۰۱۱ با عنوان «چشم‌انداز ۲۰۲۳ ترکیه» برگزار شد، هدف استراتژیک این کشور در افق ۲۰۲۳ را چنین تبیین کرد: «تبدیل کردن ترکیه به کشوری دمکراتیک با ساختار اقتصادی قدرتمند، قدرتی منطقه‌ای، اروپایی و جهانی، تلاش ما در جهت تحقق این هدف خواهد بود» (Kayd, 2011).

### پیامدهای محتمل قدرت‌یابی ترکیه بر موقعیت ژئواکونومیک ایران

قابل درک است که قدرت‌یابی ترکیه به‌عنوان یکی از مهمترین همسایگان ایران، بر محیط ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک کشور تأثیرات مهمی بر جای گذاشته و خواهد گذاشت. تبیین این تأثیرات نیازمند توجه به منطق حاکم بر روابط دو کشور است. روابط ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای، واجد ابعاد همکاری و رقابت توأمان است. از یک‌سو به‌دلیل مکمل بودن اقتصادهای دو کشور، حوزه‌های وسیعی از همکاری میان آنان شکل گرفته و از دیگرسو به‌دلیل حساسیت آنان به موازنه قدرت منطقه‌ای، حوزه‌های مهمی از رقابت میان آنان وجود دارد. نمادهای این ابعاد را می‌توان در سیر روابط دو کشور در یک دهه اخیر مشاهده کرد.

همان‌گونه که اشاره شد، دهه اخیر را می‌توان دهه طلایی رشد و توسعه ترکیه دانست. از دیگرسو، این دهه را می‌توان دهه طلایی روابط اقتصادی ایران و ترکیه نیز به حساب آورد. در این دهه، روابط دو کشور در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری به‌سرعت در حال رشد و توسعه بوده است. شاهد این مدعا آنکه

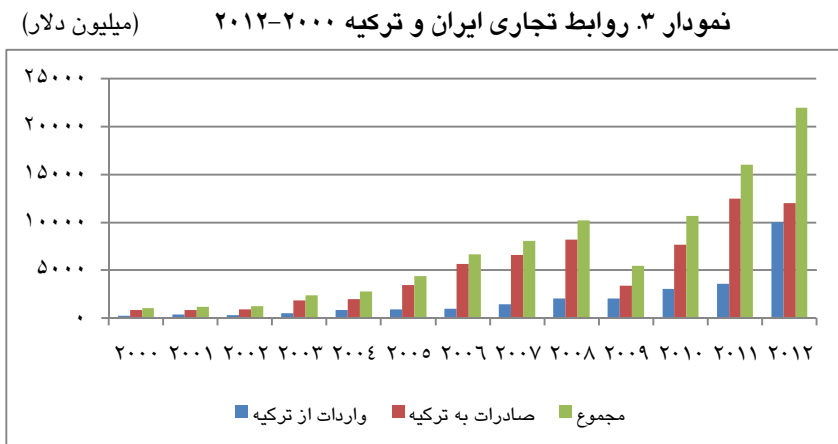


بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۱، ایران مهمترین تأمین‌کننده نفت خام ترکیه و دومین تأمین‌کننده گاز این کشور بوده است. حجم تجارت دو کشور از حدود یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، به ۱۰/۶۹ میلیارد دلار در ۲۰۱۰ افزایش یافته و در سال ۲۰۱۱، به ۱۶/۰۵ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است که این رقم، ۴/۲۷ درصد از کل تجارت خارجی ترکیه را تشکیل می‌دهد (Jenkins, 2012).

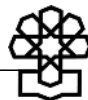
نکته مهم آنکه موازنه تجاری در روند تجارت ایران و ترکیه به شدت به سود تهران بوده است. در سال ۲۰۱۱، ایران دهمین بازار بزرگ صادراتی ترکیه بوده است و این کشور توانسته ۳/۵۹ میلیارد دلار به کشورمان صادرات داشته باشد. هر چند که این رقم در مقایسه با کل صادرات ترکیه در این سال، رقم چندانی به‌شمار نمی‌آید. زیرا تنها ۲/۶۶ درصد از کل صادرات ترکیه در سال ۲۰۱۱ را که معادل ۱۳۴/۹۵ میلیارد دلار بوده است، را تشکیل می‌دهد و کمتر از نیمی از صادرات ۸/۳۲ میلیارد دلاری این کشور به عراق در همین سال بوده است.

در مقابل، واردات ترکیه از ایران در سال ۲۰۱۱ به سرعت رشد یافته است و به ۱۲/۴۶ میلیارد دلار بالغ شده است. همین امر باعث شده است که ایران به ششمین منبع واردات ترکیه تبدیل شود زیرا ۵/۱۷ درصد از کل واردات ۲۴۰/۸۳ میلیارد دلاری ترکیه از مقصد ایران بوده است که البته عمدتاً به دلیل فروش گاز و نفت به آنکارا بوده است. در بخش صادرات ترکیه، ایران پس از کشورهای آلمان، عراق، بریتانیا، فرانسه، روسیه، آمریکا، اسپانیا و امارات متحده عربی قرار می‌گیرد. در بخش واردات ترکیه، ایران پس از روسیه، آلمان، چین، آمریکا و ایتالیا قرار می‌گیرد.

نمودار ذیل، روند رشد و روابط تجاری ایران و ترکیه از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۱ را نشان می‌دهد:



در وضعیت کنونی، ایران مهمترین صادرکننده و تأمین‌کننده نفت ترکیه است و ۴۳/۱۳ درصد از کل واردات نفت ترکیه را تأمین می‌کند که این رقم نسبت به سال ۲۰۰۹، افزایش قابل توجهی یافته است؛ بدان معنا که ایران در این سال، تنها ۲۲/۷۵ درصد از نیازهای نفتی ترکیه را تأمین می‌کرد البته در سال ۲۰۱۱، سهم ایران در تأمین نفت ترکیه اندکی کاهش یافته و به ۳۳/۵۶ درصد افت کرده است. با این وجود، ایران در این سال، مهمترین منبع تأمین‌کننده نفت ترکیه بوده است. بنابراین، روشن است که صادرات منابع هیدروکربنی، مهمترین صادرات ایران به ترکیه را تشکیل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۹۰ درصد از صادرات ایران به این کشور را نفت و صادرات نفتی



تشکیل می‌داده است. البته ایران صادرات محدود دیگری نیز به ترکیه دارد که عمدتاً شامل مس، پلاستیک، آهن، فولاد و مواد شیمیایی می‌شود (Jenkins, 2012).

بنابراین با توجه به تجربه یک دهه اخیر، می‌توان مدعی شد که هر چه روند توسعه ترکیه به پیش رود، حوزه‌های همکاری و مبادلات اقتصادی میان دو کشور نیز افزایش خواهد یافت و این کشور احتمالاً به یکی از مهمترین بازارهای صادراتی ایران در حوزه انرژی تبدیل خواهد شد. همان‌گونه که در صفحات قبل آمد، آنکارا تلاش دارد تا سال ۲۰۲۳ تولید ناخالص داخلی خود را به دو تریلیون دلار برساند. طبیعتاً حرکت در این مسیر، نیازهای انرژی این کشور را به شدت افزایش خواهد داد. افزون‌بر این، ترکیه تلاش دارد تا به‌عنوان «هاب» انرژی و دروازه انتقال منابع انرژی خاورمیانه و قفقاز به اروپا ایفای نقش کند. طبیعی است که در غیاب گزینه‌های برتر، این کشور می‌تواند به‌عنوان دروازه ورود ایران به بازار انرژی اروپا ایفای نقش نماید.

بُعد دیگری از جنبه‌های فرصت‌ساز به موقعیت ترانزیتی ترکیه برای ایران بر می‌گردد. ایران همواره از ترکیه به‌عنوان دروازه ورود به بازارهای اروپا یاد کرده است، اما نکته قابل توجه این است که در وضعیت کنونی در بخش شرقی ترکیه، زیرساخت‌های جاده‌ای و حمل‌ونقل بسیار ضعیف است و به همین دلیل ترکیه در وضعیت کنونی، مسیر ترانزیتی مطلوبی برای رسیدن ایران به بازار اروپا به شمار نمی‌آید و تنها در آینده‌ای میان‌مدت دو کشور می‌توانند با توسعه زیرساخت‌ها در این منطقه، از این مسیر ترانزیتی استفاده کنند.

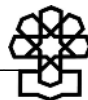
در همین راستا یکی از طرح‌هایی که اخیراً به‌منظور توسعه مبادلات میان دو

کشور ایران و ترکیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته، توسعه بندر ترابوزان ترکیه برای تبدیل کردن آن به یک «هاب» تجاری و بهره‌گیری ایران از این بندر برای توسعه صادرات خود است زیرا فاصله این بندر تا تبریز، کمتر از فاصله تبریز تا بندرعباس است. فاصله تبریز تا بندرعباس ۱۵۴۰ کیلومتر است؛ درحالی که فاصله بندر ترابوزان تا تبریز، ۶۵۰ کیلومتر می‌باشد که کمتر از نصف فاصله تبریز تا بندرعباس است. البته تبدیل این برنامه به واقعیت، نیازمند سرمایه و زمان فراوانی است زیرا در وضعیت فعلی، بین ایران (تبریز) و بندر ترابوزان ترکیه، خط آهنی وجود ندارد و راه‌ها و جاده‌ها نیز از کیفیت پایینی برخوردارند.

به همین دلیل صدور کالاهای تولید شده در شمال شرق ایران از طریق بندرعباس، ارزان‌تر و سریع‌تر از مسیر ترابوزان صورت می‌گیرد. تنها در صورت سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور در آن مسیر می‌تواند در آینده یکی از حوزه‌های پیوند و همکاری بین دو کشور باشد. البته آن‌گونه که در برخی از منابع ذکر شده است، مقامات ترک نسبت به نیت ایران از تلاش برای توسعه بندر ترابوزان و یافتن جای پای در آن، اظهار نگرانی می‌کنند و معتقدند که تهران این تلاش را به‌عنوان راهی برای مقابله با تسبب دویی بر روابط ترانزیتی و تجاری این کشور صورت می‌دهد (Jenkins, 2012).

یکی دیگر از مشکلات پیش روی روابط تجاری دو کشور، به پیچیدگی‌های بوروکراتیک به‌ویژه در ایران بازمی‌گردد. از منظر تجار و بازرگانان ترک، بوروکراسی ایران، به‌شدت بر روند توسعه مناسبات تجاری دو کشور آثار منفی برجای می‌گذارد.





افزون بر این، همکاری‌های بانکی میان دو کشور هنوز توسعه نیافته است. تنها بانک ملت در ترکیه شعبه دارد و بانک‌های ترک در ایران شعبه‌ای ندارند تا مبادلات مالی دو کشور به راحتی صورت پذیرد. به همین دلیل، یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند در بسط روابط دو کشور مفید واقع گردد، همکاری‌های بانکی میان دو کشور است.

همان‌گونه که در صفحات پیشین اشاره شد، یکی از حوزه‌های اقتصادی‌ای که موقعیت ترکیه در آن هم در سطح جهانی و هم در رابطه با ایران طی سال‌های اخیر رشد پیدا کرده است و از این رهگذر، منابع مهمی را نصیب خود ساخته است، حوزه توریسم است. در یک دهه گذشته، میزان سفر توریست‌های ایرانی در ترکیه، بیش از ۶ برابر افزایش یافته است.

روند رشد صنعت توریسم ترکیه، از یک دهه اخیر آغاز شده و بر همین مبنا در این دهه، تعداد بیشتری از توریست‌های ایران جذب ترکیه شده‌اند. بر مبنای آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای آماری دولت ترکیه، تعداد توریست‌های ایرانی که به ترکیه سفر کرده‌اند، از ۳۲۷،۰۶۷ نفر در سال ۲۰۰۱ به ۹۵۷،۲۴۵ نفر در سال ۲۰۰۵ و ۱،۸۸۵،۰۹۷ نفر در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. این درحالی است که بر مبنای آمارهای موجود، به‌طور میانگین در طول این سال‌ها تنها ۲۰ هزار نفر از اتباع ترکیه به‌عنوان توریست وارد ایران شده‌اند. بنابراین باید چاره‌ای برای کاهش این نابرابری اندیشید.

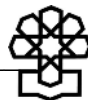
افزون بر روابط تجاری و اقتصادی، دو کشور تلاش‌هایی برای گسترش روابط و تعاملات صنعتی نیز در سال‌های اخیر صورت داده‌اند. البته این تلاش‌ها و برنامه‌ها در عمل عمدتاً روی کاغذ مانده‌اند. مهمترین پروژه‌های صنعتی مشترکی که تاکنون

بین دو کشور مورد بحث و گفتگو قرار گرفته اما اجرایی نشده‌اند، عبارتند از:

۱. ایجاد منطقه صنعتی در مرز مشترک دو کشور تا در چارچوب آن سرمایه‌گذاران بتوانند در این محیط به فعالیت‌های صنعتی اقدام کنند.
۲. تشکیل بانک مشترک و تشکیل خط هوایی مشترک نیز میان دو کشور مورد بحث بوده که تاکنون به نتیجه قطعی نرسیده است.
۳. در حوزه گازی نیز تاکنون یادداشت تفاهماتی میان دو کشور رد و بدل شده است که البته به دلیل تأثیرات مخرب تحریم‌های بین‌المللی، هیچ‌یک از آنها که عمدتاً معطوف به صرف سرمایه‌گذاری ترکیه در پارس جنوبی است، به تحقق نپیوسته و وارد فاز اجرایی نشده است (Habibi, 2010).

در وضعیت کنونی، مهمترین پروژه سرمایه‌گذاری ترکیه در ایران، از طرف شرکت «گوبره تاش»، به‌عنوان دومین تولیدکننده بزرگ کودهای شیمیایی ترکیه صورت گرفته است. این شرکت در سال ۲۰۰۸، سرمایه‌گذاری ۶۵۶ میلیون دلاری در صنایع پتروشیمی ایران انجام داد و ۹۶ درصد از سهام شرکت پتروشیمی رازی را به‌خود اختصاص داد.

این سرمایه‌گذاری، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری صنعتی است که یک شرکت ترک در کشور دیگری صورت داده است. در این مجتمع، سالیانه ۴ میلیون تن کودهای شیمیایی تولید می‌شود که حدود ۲۵ درصد از این تولیدات به چین و هند صادر می‌گردد. به همین جهت، سرمایه‌گذاری این شرکت در ایران را می‌توان استثنایی در روند همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری میان ایران و ترکیه دانست، زیرا عموماً سایر



شرکت‌های ترک، به چنین سرمایه‌گذاری‌هایی دست نزده‌اند و دلیل اصلی این اقدام را محیط نامناسب کسب‌وکار در ایران عنوان کرده‌اند. بنابراین علیرغم بحث‌های فراوانی که در این حوزه صورت گرفته است، اما این بحث‌ها با برنامه‌ها چندان به واقعیت نزدیک نشده است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۰۸، شرکت ایران‌خودرو، بحث سرمایه‌گذاری در منطقه مرمره ترکیه را مطرح کرد که تاکنون از مرحله یادداشت تفاهم فراتر نرفته است. با وجود این معضلات، ترکیه در حال حاضر در یک دهه اخیر به یکی از مهمترین شرکای اقتصادی و تجاری کشور تبدیل شده و حوزه‌های وسیعی از حیات اقتصادی کشور را از خود متأثر کرده است. از همین رو اگر در وضعیت کنونی ترکیه را مهمترین همسایه ایران بنامیم سخنی گزافه نیست. طبیعی است که با رشد این کشور، در افاق ۲۰۲۳ اهمیت آن برای ایران بسیار بیش از امروز خواهد بود.

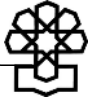
### جمع‌بندی

از آنچه آمد به روشنی می‌توان دریافت که ترکیه قدرتی در حال ظهور است و در سال‌های اخیر توانایی‌ها و قابلیت‌های اقتصادی خود را به‌سرعت توسعه داده است. افزون‌بر این، این کشور در پی متنوع‌سازی روابط تجاری و اقتصادی خود نیز برآمده و تلاش کرده تا مناسبات تجاری با تعداد هرچه بیشتری از کشورهای جهان را گسترش دهد. طبیعتاً در این مسیر مناسبات این کشور با ایران به‌عنوان همسایه‌ای مهم افزایش یافته است. افزون بر این یک عامل دیگر نیز در گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری دو

کشور مؤثر بوده و آن تحریم‌های تشدیدشونده علیه ایران است.

عامل دیگری که در سیر تحول روابط تجاری دو کشور به‌ویژه در سال‌های اخیر تأثیرگذار بوده، تشدید رقابت ژئوپلیتیک است که در بحران سوریه به اوج خود رسیده است. طبیعتاً رقابت تشدیدشونده ژئوپلیتیک دو کشور تأثیرات خود را بر مناسبات اقتصادی و تجاری برجای گذاشته است. با این حال از آنجا که ترکیه در میان همسایگان ایران، از بیشترین ظرفیت‌ها برای بسط روابط تجاری و اقتصادی برخوردار است گسترش همکاری‌ها با این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نکته مهمی که در مورد آینده می‌توان ذکر کرد، اینکه گرچه ترکیه می‌تواند در تئوری، انرژی ایران را به راحتی جایگزین کند اما به دلایلی همچون موقعیت ژئواکونومیک ممتاز ایران قاعده‌تاً تغییر شریک این کشور در بازار نفت، هزینه‌های مهمی را برای آن دربرخواهد داشت. جایگزینی سایر کشورها با ایران در حوزه گاز برای ترکیه، مخاطره‌آمیزتر خواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت که تا آینده قابل پیش‌بینی، ترکیه به انرژی ایران نیاز نسبی خواهد داشت. بنابراین ایران از اهرمی مهم برای بسط روابط اقتصادی و تجاری با ترکیه برخوردار است. این اهرم به‌ویژه می‌تواند برای متوازن کردن روابط تجاری و اقتصادی دو کشور مورد استفاده قرار گیرد. در وضعیت کنونی صادرات ایران به ترکیه را عمدتاً مواد خام و انرژی تشکیل می‌دهد و در مقابل، بخش عمده صادرات ترکیه را کالاهای صنعتی تشکیل می‌دهد. به بیانی شفاف‌تر مناسبات اقتصادی دو کشور به نوعی مبادله نابرابر تبدیل شده است که در قالب آن ایران عمدتاً به صادرات مواد اولیه می‌پردازد. طبیعی است که این



وضعیت در شأن کشوری همچون ایران نیست و به تدریج باید تغییر کند. پیامدهای قدرت‌یابی ترکیه بر محیط ژئواکونومیک ایران یکسره مثبت نیست. همان‌گونه که اشاره شد، تبدیل شدن به کانون تولید کالاهای با فناوری بالا (پیشرفته) و کالاهای دارای فناوری متوسط در منطقه اوراسیا هدف استراتژیک - اقتصادی ترکیه در یک دهه آینده است. طبیعتاً حوزه‌ای که ترکیه به‌عنوان بازارهای هدف خود تعریف کرده است، با حوزه‌ای که به‌طور سنتی بازارهای هدف ایران محسوب می‌شود، همپوشانی دارد. افزون‌بر این و مهمتر آنکه هدف اصلی توسعه ایران که در سند چشم‌انداز مورد تأکید قرار گرفته نیز تبدیل شدن به قدرت اول علمی، اقتصادی و فناوری در منطقه جنوب غرب آسیاست.

در شرایط کنونی، ترکیه با بهره‌گیری از محیط مساعد بین‌المللی، به سرعت درحال نفوذ در بازارهای منطقه و تبدیل شدن به بازیگر مسلط در اقتصاد کشورهای محیط پیرامونی ایران است. تبدیل شدن ترکیه به مهمترین قدرت در ژئواکونومی منطقه می‌تواند برای موقعیت ایران تهدیدات مهمی نیز در برداشته باشد، قدرتی که سابقه تاریخی آن و نیز سیاستگذاری‌های فعلی‌اش به روشنی نشان می‌دهد که اشتباهی فراوانی برای تبدیل قدرت اقتصادی به نفوذ سیاسی و مسلط شدن بر کل منطقه دارد.

این سؤال وجود دارد که در شرایطی که ایران مشغول مواجهه با تحریم‌هاست اگر ترکیه بتواند خیز اقتصادی خود را طی کرده و به بازیگر مسلط در ژئواکونومی منطقه تبدیل شود، آیا تهران می‌تواند در افق ۲۰۲۳ توان رقابت با این کشور را داشته

باشد؟ این پرسشی است که از هم‌اکنون باید به‌طور جدی به آن اندیشید.

اما در وضعیت کنونی و با توجه به اهمیت روزافزون ترکیه در دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی کشور، شکل‌دهی به ساختاری برای مدیریت روابط پیچیده با این کشور ضرورت دارد، ساختاری که در آن مسائل اقتصادی و استراتژیک میان دو کشور به‌گونه‌ای توأمان و با نگاهی جامع مدیریت شوند. در این راستا می‌توان شکل‌دهی به ساختاری با عنوان «گفتگوهای اقتصادی - استراتژیک» در سطح معاون رئیس‌جمهور و با مشارکت وزیر امور خارجه و وزیر صنعت، معدن و تجارت را به‌عنوان یک گزینه مطرح کرد تا مسائل اقتصادی - استراتژیک موجود در روابط دو کشور در قالب نشست‌های منظم ۶ ماهه یا سالیانه مورد بحث و بررسی قرار گیرد و زمینه برای پیشبرد منافع مشترک و مدیریت اختلافات فراهم آید. شکل‌دهی به چنین ساختاری که در روابط بسیاری از کشورها رواج دارد، باعث خواهد شد تا مدیریت روابط دو کشور با انسجام بیشتری همراه شود. در چارچوب این گفتگوها می‌توان به تدریج و پس از مطالعات کارشناسی، موضوع انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد با این کشور را نیز مطرح کرد.

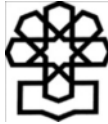


## منابع و مأخذ

1. Bown, C. P. *Trade Policy Flexibilities and Turkey: Tariffs, Antidumping, Safeguards, and WTO Dispute Settlement*. Stanford: Stanford University Press, 2012.
2. Business Turkey Today. *2023 Vision of The Republic of Turkey*. Ankara: Business Turkey Today, 2012.
3. Grigoriadis, I. N. *The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy*. Athens: Middle Eastern Studies Programme, 2010.
4. Habibi, N. *Turkey and Iran: Growing Economic Relations Despite Western Sanctions*. Massachusetts: Brandies University, 2010.
5. Invest in turkey. *FDI in Turkey*. Ankara: republic of turkey prime ministry investmt support and promotion agency, 2011.
6. Invest in turkey. *Turkey's exports hit record high in 2012*. Ankara: Republic of Turkey Prime Ministry, 2013.
7. Jenkins, G. H. *Occasional Allies, Enduring Rivals: Turkey's Relations With Iran*. Stokholm: China-Eurasia Forum, 2012.
8. Jung, D. *The Turkish Revolution: changing civil-military relations in Turkey*. Odense: Syddansk University, 2012.
9. Kaddorah, E. The Turkish Model: Acceptability and Apprehension. *Insight Turkey* , 115-116, 2012.
10. Kayd, S. *Speech entitled "Vision 2023: Turkey's Foreign Policy Objectives" delivered by H.E. Ahmet Davutoğlu, Minister of Foreign Affairs of the Republic of Turkey at the Turkey Investor Conference: The road to 2023 organized by Goldman Sachs*. Ankara: Republic of Turkey, Ministry of Foreign Affairs, 2011.
11. Ministry of Economy. *Turkey's Free Trade Agreements*. Ankara: Ministry of Economy, 2012.
12. Murinson, A. *The strategic depth doctrine of Turkish foreign policy*. London: Middle east Studies, 2007.
13. Reuters. *Turkish 2013 automotive export revenues seen at \$19-\$20 bln-assoc*. Washington D.C.: Reuters, 2013.
14. Sachs, J. D. *Turkish Economic Development: An Overview*. Chicago: University of Chicago Press, 2010.

15. Sinan, Ü. From Inspiration to Aspiration: Turkey in the New Middle East. Washington, D.C: Carnegie Endowment for International Peace, 2011.
16. The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy Ankara Bilkent University, 2010.
17. Turan, I. Turkish Foreign Policy: Interplay Between the Domestic and External. Washington D.C.: Carnegie Endowment for International Peace, 2011.
18. Turkey Ministry of Development. Strategy and action Plan for Istanbul International Financial Center. Ankara: Turkey Ministry of Development, 2009.
19. Ulusoy, R. The Effects of Tourism Sector on Turkish Economy. International Research Journal of Finance and Economics , 90, 2011.
20. Whither Axis Shift: A Perspective from Turkey's Foreign Trade Ankara SETA Foundation, 2010.
21. Wikipedia. Turkish Airlines. Wikipedia, 2012.
22. World Trade organization. Trade Policy Review. Geneva: World Trade Organization, 2012.





مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۵۵۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: قدرت‌یابی ترکیه؛ پیامدهای ژئواکونومیک برای ایران

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: محسن شریعتی‌نیا

ناظر علمی: مهدی امیری

مقتضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. ایران

۲. ترکیه

۳. ژئواکونومی

۴. روابط سیاسی

۵. روابط اقتصادی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷